

تاریخ و تمدن اسلامی، سال هفتم، شماره سیزدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۰، ص ۱۱۵-۱۲۸

کنکاوی در منابع تأمین غلام و کنیز در عصر قاجار^۱

غلامحسین زرگری نژاد

دانشیار دانشگاه تهران، گروه تاریخ، تهران، ایران

نرگس علیپور^۲

دانش آموخته کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

چکیده

غلامان و کنیزان در عصر قاجار در ایران از نژادها و قومیت‌های مختلفی چون آفریقایی، قفقازی (ارمنی، گرجی و چرکس)، ترکمن، بلوچ، کرد و حتی فارس بودند. معمولاً اسارت در جنگ‌ها و تهاجمات ناگهانی منبع اصلی تأمین غلام و کنیز، به‌ویژه از میان ترکان و اهالی منطقه قفقاز و ماورای آن بوده است. با سلب حاکمیت ایران بر منطقه قفقاز توسط روس‌ها، ورود غلامان و کنیزان از آنجا به ایران بسیار کاهش یافت و در مقابل، ورود غلام و کنیز آفریقایی از طریق جنوب ایران افزایش چشمگیر یافت. این جریان با وجود قراردادهای منع برده‌فروشی و نظارت جدی کشتی‌های ضد برده‌فروشی نیروی دریایی انگلیس در خلیج فارس، تا اواسط قرن ۱۴هـ ادامه پیدا کرد. مقاله حاضر پس از مشخص کردن مراکز و منابع اصلی تأمین غلام و کنیز، به بررسی و تشریح چگونگی این جریان در مناطق مزبور پرداخته است.

کلید واژه‌ها: غلام، کنیز، قاجار، خلیج فارس، قفقاز.

۱. تاریخ وصول: ۸۹/۱۰/۱۵؛ تاریخ تصویب: ۱۳۹۰/۳/۱۶.

۲. نویسنده مسئول، پست الکترونیک: alipour.narges@yahoo.com

مقدمه

بنابر پاره‌ای از گزارش‌ها، شمار بردگان آفریقایی وارد شده به بنادر ایران، در قرن سیزدهم، برخلاف شهرهای مرکزی و شمالی، قابل توجه بوده است. لیدی شیل^۱ تعداد بردگانی را که سالانه از بنادر جنوب وارد ایران می‌شدند، بین دو تا سه هزار نفر تخمین زده است.^۲ با این همه تعیین دقیق تعداد غلامان و کنیزانی که هر ساله به طرق گوناگون به ایران آورده می‌شدند بسیار مشکل است؛ چه این موضوع در هیچ منبعی جداگانه گزارش و بررسی نشده است. از طرفی معاملات غیرقانونی و پنهانی برای انتقال اینان به داخل کشور را نیز باید عامل دیگری به حساب آورد که بر دشواری تحقیق در این زمینه افزوده است. تجارت خارجی، قانونی یا غیرقانونی، تنها منبع تأمین بردگان در دوره قاجار نبوده است، لشکر کشی به بیرون مرزها و برخی از مناطق مرزی داخلی و در واقع اسارت گرفتن را نیز باید در شمار یکی دیگر از منابع اصلی تأمین غلامان و کنیزان در نظر آورد. اینک اصلی‌ترین مناطق و معابر تأمین و ورود غلامان و کنیزان در عهد قاجار را می‌توان چنین دسته بندی کرد:

شمال غربی (قفقاز و مناطق کردنشین)

منطقه قفقاز منبع اصلی تأمین غلام و کنیز از میان گرجیان، ارمنه و چرکس‌ها به شمار می‌آمد. به گفته سرجان ملکم، هیئت خوش ترکیب پسران و طلعت دل فریب دختران این دیار، سبب تحریک و ترغیب مسلمین گشت که از ایشان بنده و برده بدارند.^۳ غلامان و کنیزان قفقازی به‌ویژه گرجی‌ها، غالباً در پی تجاوزهایی که به منظور دزدیدن اشخاص و یا احشام در سرزمینشان صورت می‌گرفت، به چنگ می‌افتادند. افرادی که هم در این چپاول‌ها به دست ایرانیان می‌افتادند، به معرض فروش گذاشته می‌شدند. در این باره به دعاوی و مطالبات گرجستان هم ترتیب اثر داده نمی‌شد. این نوع تجاوزها حتی در دوران صلح هم صورت می‌گرفت.^۴ زنان و دختران قفقازی به خاطر زیبایی چهره و تناسب اندام، مطلوب و مورد توجه بودند و اغلب ایرانیان لابلای گری آنان را بر چالاک‌های زنان ایرانی ترجیح می‌دادند.^۵

1. Lady Sheil

۲. شیل، ۲۱۵.

۳. ملکم، ۴۳۶.

۴. دروویل، ۲۳۳-۲۳۸.

۵. همان، ۲۳۶.

کینیر^۱ قیمت بردگان قفقازی را با توجه به تأمین آنها از بازار، متفاوت ذکر می‌کند. به عنوان مثال طبق گفته وی، در ۱۸۱۰م/۱۲۲۵هـ یک دختر جوان گرجی در بازار تبریز در حدود ۸۰ پوند فروخته می‌شد.^۲ در ایروان که بازار معاملات دخترهای ارمنی، چرکسی و گرجی بود، می‌شد دخترهای باکره زیبا را به قیمت شصت تا صد تومان خریداری کرد. غالباً قیمت کنیز به نسبت مردها، خیلی گران‌تر بود و بعضی اوقات قیمت آنها به پانصد یا ششصد تومان هم می‌رسید. در مقابل قیمت غلام خیلی گران نبود؛ مگر آن‌که در حرفه‌ای که به درد صاحبش بخورد، دارای مهارت و تخصصی می‌بود.^۳

زنان و دختران قفقازی یا به صورت زنان عقدی و صیغه‌ای ارباب خود در می‌آمدند و یا به عنوان کنیز در خدمت همسران بزرگان قرار می‌گرفتند؛ برخی از اربابان تعداد زیادی کنیز می‌خریدند، زیرا هر یک از زنهایشان می‌خواستند کنیزی در خدمت داشته باشند.

از اواسط قرن ۱۳ق، به علت جدایی قفقاز و آسیای میانه از ایران و اعلام منع برده‌فروشی در این مناطق توسط روس‌ها، ورود غلام و کنیز قفقازی به ایران تقریباً متوقف شد. اولین گام برای آزادی این دسته از غلامان و کنیزان در ایران در سال ۱۲۲۸هـ/۱۸۱۳م، طی عهدنامه گلستان که میان میرزا ابوالحسن خان ایلچی و سردار روسیه منعقد شد، برداشته شد. طبق بند ششم این معاهده، تمام اسرای طرفین تا سه ماه بعد از انعقاد معاهده، می‌بایست آزاد و به سرزمین خود مسترد شوند.^۴ اقدام دیگر جهت آزادی اسرای قفقازی در سال ۱۲۴۳هـ/۱۸۲۶م مطابق با بند سیزدهم معاهده ترکمانچای در باب استرداد اسرای روسی و قفقازی که در آخرین جنگ و قبل از آن و یا هر زمان دیگری که به اسیری افتاده بودند، صورت گرفت. طبق این معاهده، بخشی از شمال ایران (قفقاز) به روسیه واگذار شد. با تسلط روس‌ها بر قفقاز، ورود غلام و کنیز قفقازی به ایران بسیار محدود شد؛ و اگر در جایی اثری از اهالی قفقاز (به ویژه دختران) که پنهانی به ایران آورده می‌شدند، به دست می‌آمد، بلافاصله مورد تحقیق و تجسس سفارت روس قرار می‌گرفت و آنها را بدون تأخیر به مملکتشان باز می‌گرداندند.^۵

1. Kinneir
2. Kinneir, 27.

۳. دروویل، ۲۳۸.

۴. سپهر، ۲۳۲/۲.

۵. پولاک، همان‌جا.

در مناطق کردنشین در شمال غربی و غرب ایران نیز، دختران کرد در ازای مبالغی اندک به خانواده های ایرانی فروخته می شدند.^۱ به گفته پولاک چنین دخترانی را نمی شد واقعا کنیز نامید، چرا که به محض اینکه به سن رشد می رسیدند، به یکی از اعضای خانواده های ایرانی شوهر می کردند و به این طریق از اسارت آزاد می شدند.^۲

شمال و شمال شرقی (سرزمین ترکمن ها و مناطق همجوار آن)

اگرچه بخشی از غلامان و کنیزان ترکمن از طریق معاملات تجاری، به دست ایرانیان می افتادند، ولی منبع عمده تأمین این دسته از غلامان و کنیزان، اسارت در جنگ ها و لشکرکشی های تنبیهی بود. ترکمن ها که از ایلات چادرنشین آسیای میانه بودند، معیشتی مبتنی بر دامداری داشتند و کشاورزی تنها بخش اندکی از اشتغال آنها را تشکیل می داد، زیرا بخش عظیمی از سرزمینشان را صحرای بی پایانی در بر می گرفت که دارای زمستان های سخت و پربرف و تابستان های داغ و طاقت فرسا و فاقد زمین کافی و مناسب برای کشاورزی بود.^۳ از این رو این صحرائشینان برای امرار معاش و گذران زندگی، ناگزیر از راهزنی و چپاول سایر اقوام مجاور خود می شدند که علاوه بر ایرانیان شیعه، همکیشان سنی مسلک آنها در شمال افغانستان، خیوه و بخارا را نیز در بر می گرفت؛ این مسأله زمینه ساز بروز جنگ و قشون کشی دولت ایران به قلمرو آنان شد که حاصلی جز کشته و زخمی و اسیر شدن افراد زیادی از طرفین درگیری نداشت.

در سراسر دوره حکومت فتحعلیشاه نیز کشمکش ها و جنگ های متعددی میان دولت ایران و ترکمن ها رخ نمود که منجر به اسارت تعداد زیادی از طرفین درگیری، به ویژه ایرانیان شد. افزایش آدم ربایی و تهاجمات ترکمن ها در شمال خراسان، در کنار فشار دولت روسیه جهت برقراری آرامش و امنیت در مرزهای خود، بهانه کافی برای لشکرکشی و تدارک جنگ مجدد برضد ترکمانان مناطق سرحدی را، به دولت ایران داد؛ لذا عباس میرزا نایب السلطنه در ۱۲۴۸ ق به سرخس که نشیمن ترکمانان سالور بود، لشکر کشید.^۴ عباس میرزا پس از تصرف سرخس، فرمان نهب و غارت شهر را داد. در این جنگ سه هزار خانوار سالور به اسارت در آمدند. سال بعد از این واقعه، الله قلی خان توره حاکم خوارزم، درخواست آزادی پنج هزار اسیر

۱. پولاک، ۱۷۳؛ Basset, 287.

۲. همانجا.

۳. وامبری، ۳۹۵-۳۹۴.

۴. سپهر، ۱/ ۴۸۳.

ترکمن را از ولیعهد کرد و متعهد شد که در صورت آزادی اسراء، شیعیان و مُجتازان از غارت و اسارت ترکمانان در امان خواهند بود و پنج‌هزار زر مسکوک نیز پیش‌کش کارداران دولت ایران کرد.^۱

غالباً ترکمن‌هایی که به اسارت سپاهیان ایرانی درمی‌آمدند، با اسرای ایرانی در دست ترکمن‌ها که تعدادشان بیش از اسرای ترکمن بود، معاوضه می‌شدند و تنها تعداد کمی از آنها که بیشترشان از زنان بودند، به عنوان برده در ایران باقی می‌ماندند.^۲ شماری از بردگان ترکمن توسط اقوام خود، به ایرانیان فروخته می‌شدند، چنان‌که به گفته آبوت‌کنسول انگلیس، ترکمن‌ها و بازرگانان خیمه‌ای در شمال شرقی ایران، کنیزان را به نام «کلموک» (مغول) جا می‌زدند، در حالی‌که عموماً اهل قزاقستان بودند و ایرانیان آنها را می‌خریدند.^۴ همو گزارش می‌دهد که گوکلان‌ها به یموت‌ها حمله می‌بردند و معمولاً هر که را اسیر می‌کردند، به ایرانیان می‌فروختند.^۵

با آن‌که تا پایان دوره قاجار، لشکرکشی‌های تنبیهی جهت دفع تجاوزات ترکمن‌ها ادامه پیدا کرد، ولی نتیجه‌ای در بر نداشت و در تمام مدت سلطنت آنان، ترکمن‌ها از هر فرصتی برای تاخت و تاز و غارت کاروان‌ها و زائرین در خراسان و مازندران و اسارت زنان و کودکان استفاده می‌کردند.

جنوب شرقی (مکران و بلوچستان)

بخش دیگری از زرخریدها از جنوب شرقی ایران (مکران و بلوچستان) که غالباً در جنگ‌ها به اسارت در می‌آمدند، تأمین می‌شد.^۶ هرگاه حکومت اقتداری پیدا می‌کرد، در یک خط سیر معین به بلوچستان هجوم می‌کرد و بلوچ‌ها به واحه‌ها می‌گریختند.^۷ در سال ۱۲۱۹هـ ابوالقاسم خان گروسی که از طرف ابراهیم‌خان ظهیرالدوله^۸، مأمور بلوچستان شده بود، از راه کرمان ریگ

۱. همو، ۴۹۵.

۲. پولاک، ۱۷۳.

3. Keith E-Abbott

4. Amanat, 21.

5. Ibid, 50.

۶. پولاک، ۱۷۲.

۷. دریاگشت، ۲۲.

۸. حاکم کرمان در زمان فتحعلیشاه قاجار.

ریگ تا حوالی بمپور رفت و پس از غارت روستاها و ایلات آنجا، ۵۰ تا ۶۰ دختر و پسر بلوچی را اسیر کرد و به نزد ابراهیم خان فرستاد.^۱ در حمله امیر حبیب الله خان توپخانه شاهسون به نرماشیر و بمپور، عده زیادی از بلوچها برای عدم اسارت زنان و دختران خود به دست سپاه قاجار، آنها را کشتند و وقتی که محمد شاه از این اقدام ظالمانه خبردار شد، عباسقلی خان جوانشیر را مأمور خرید اسرای بمپور و بازگرداندن آنها به بلوچستان کرد و او با خرید هر اسیر به بهای یک تومان، سه هزار و هفتصد اسیر را آزاد ساخت.^۲

برده‌گیری‌های بلوچها. به گزارش ابوت کنسول انگلیس، کارگرانی که کار شخم زدن و به زیر کشت بردن زمین در منطقه جنوب غرب ایالت سیستان را بر عهده داشتند، غلامان رنگین پوست و سفیدپوست بودند.^۳ این غلامان که از طریق تاخت و تازهای غیرقانونی به فرمان رؤسای بلوچ همراه با غارت دسته جمعی به دست می‌آمدند، منبع عمده درآمد و عایدی برای آنان بود.^۴ هنری پاتینجر^۵ (۱۸۵۶-۱۷۸۹م) نیز بیان می‌کند که بلوچها تعداد زیادی غلام و کنیز نگه می‌داشتند که حاصل چپوی آنها بود.^۶

گاه حملات بلوچها تا ولایات و شهرهای کرمان نیز می‌رسید و مردمان این مناطق از چپو و تهاجمات طوایف بلوچ در امان نبودند. طبق گزارشی در سال ۱۳۳۲هـ حدود ۱۵۰ تن زن و دختر و بچه از نرماشیر، بم و کرمان توسط بلوچها به اسارت برده شدند.^۷ از ایلات جیرفت نیز حدود چهل نفر به اسارت مهاجمان بلوچ درآمدند.^۸

در ۱۲۸۹هـ عبدالحمید میرزا ناصرالدوله طی نامه‌ای، شکایت ملاکین و ریش سفیدان بلوچستان را در باب پناهنده شدن غلامان و کنیزانشان به انگلیسی‌های مقیم کراچی و بنادر گوادر و جاسک و حمایت دولت انگلیس از آنها، به اطلاع دولت ایران رساند.^۹ (تصویر شماره ۱)

۱. همانجا.

۲. همو، ۲۵.

3. Amanat, 172.

۴. تیت، ۶۰۰.

5. Pottinger

۶. پاتینجر، ۶۶.

۷. روزنامه حبل المتین، ۱۸/۴۰/۱۸ (از چپ به راست: جلد، شماره، صفحه)

۸. همان، ۱۸/۳۸/۱۸.

۹. مرکز اسناد آرشیوی وزارت خارجه: ۱-۱۹-۱۴-۱۲۸۹

رفتار بلوچ‌ها با غلامان و کنیزانشان به نظر خوب و انسانی بوده است. پاتینجر نیز در سفرنامه‌اش به این مسئله اشاره دارد.^۱ چارلز عیسوی با ذکر سندی بیان می‌کند که تجارت برده برده در این منطقه تا قرن ۱۴/م ۲۰هـ ادامه یافته است.^۲

جنوب (بنادر خلیج فارس)

خلیج فارس و بنادر آن در جنوب ایران محل اصلی ورود غلامان و کنیزان آفریقایی تبار بود. سابقه تجارت برده در این منطقه به قرن ۱۲هـ/۱۸م می‌رسد.^۳ از بین بنادر جنوبی ایران، تنها بندری که برای حمل برده مستقیماً قایق به شرق آفریقا (منبع اصلی صدور برده به خلیج فارس) فرستاده می‌شد، بندر لنگه بود.^۴ در دوره محمد شاه، بندر لنگه یکی از آبادترین و معمورترین بنادر خلیج فارس بود که در آن حدود پنج هزار خانوار که غالباً از اعیان و تجار عرب بودند، سکنا داشتند و غلامان و کنیزان آفریقایی نیز در آن به وفور دیده می‌شدند.^۵ اهالی بندر لنگه علاوه بر این که خود دستی در تجارت برده داشتند، گاهی نیز بَغْلَه خود را به بعضی از اهالی رأس الخیمه اجاره می‌دادند. این بغله‌ها راهی سواحل آفریقا می‌شدند و هر کدام حدود ۴۵ غلام و کنیز با خود وارد می‌کردند.^۶ (تصویر شماره ۲) در این بندر هیچ نوع مالیاتی از غلام و کنیز دریافت نمی‌شد و قیمت غلام و کنیز در آن به شرح ذیل بود:

۱. پاتینجر، ۶۷.

۲. عیسوی، ۱۹۲.

۳. ویلسون، ۲۴۸؛ Lorimer, 4/ 2475.

۴. عیسوی، ۱۹۱.

۵. کازرونی، ۱۱۵ و ۱۱۷.

۶. بغله نوعی شناور مخصوص حمل برده بود. سر آرنولد ویلسون به نقل از یک کاپیتان انگلیسی در سال ۱۸۷۳م/۱۲۸۷هـ بغله را این‌گونه توصیف می‌کند: «بغله از هر حیث شبیه به گلابی است که آن را از طول نصف کرده باشند. این جهازات اغلب عرشه ندارند و معمولاً در قسمت فوقانی آنها حجرات وسیعی که ناخدا و خانواده او و مسافرین مشخص تر در آنها می‌نشینند، قرار دارد. جهازات مذکور فوق العاده سریع السیرند. عموماً شکافدار و غیر محفوظند و سالیانه عده کثیری از آنها در دریا می‌شکند و غرق می‌شود.» (ویلسون، ۲۶۳).

۷. مرکز اسناد آرشیوی وزارت خارجه: ۶-۲۴-۶-۱۲۶۳.

قیمت پسر ۸ ساله	۱۷ دلار [ماری ترزا] ^۱
قیمت جوان بدون ریش	۲۱ دلار
قیمت مرد ریش دار ۳۰ ساله	۱۰ دلار
قیمت زن نیرومند و فرزند و چالاک	۳۵ دلار ^۲

در سایر بنادر ایرانی چون بوشهر، خرمشهر، بندر عباس، کنگان، قشم و خارک نیز خرید و فروش برده صورت می‌گرفت. بردگانی که به بنادر عمان از جمله مسقط و صور می‌رسیدند، در گروه‌های کوچک به بنادر خلیج فارس از جمله بنادر ایران منتقل می‌شدند. در سال ۱۲۶۶هـ بالیوز^۳ بندر بوشهر گزارش داد که کشتی‌های ایرانی به بنادر لنگه، خارک و بندرعباس، سیاه حمل می‌کنند.^۴ بردگان مورد نیاز بازار ایران را عموماً در بوشهر پیاده می‌کردند که حدود یک چهارم آنها در بندر عباس و تعداد کمی هم در بندر لنگه و کنگان فروخته می‌شدند.^۵ در نامه‌ای که در ۱۲۶۶هـ خطاب به صدراعظم وقت "امیرکبیر" در باب خرید و فروش غلام و کنیز سیاه در بنادر جنوب ایران نوشته شده، شرح روشنی از چگونگی خرید و فروش غلام و کنیز سیاه در این مناطق به دست می‌آید.^۶ از سال ۱۸۴۸/م ۱۲۶۲هـ به بعد، به واسطه امضای قراردادهای منع تجارت برده توسط امام مسقط، شیخ‌نشین‌های عرب خلیج فارس و دولت عثمانی، بندر محمره (خرمشهر کنونی)^۷ که تحت بیرق ایران از بازرسی کشتی‌های انگلیسی معاف بود، به تدریج تبدیل به مرکز تأمین برده به‌ویژه برای ترک‌ها شد؛ زیرا در مجاورت مرزهای

۱. دلار ماری ترزا "MARRYTHERESA DOLLAR" یکی از مسکوکات رایج در تجارت عربستان، دریای سرخ و منطقه خلیج فارس در قرن ۱۸ و ۱۹/م ۱۲/۱۳ق بود. هر ۵ دلار در اواسط قرن ۱۳/۱۹هـ معادل ۱ تومان (سکه طلای رایج در ایران عصر قاجار) و در اواخر همین قرن، ۱۶ دلار معادل ۱ تومان بوده است. (Wills, 63) این واحد پول تا اواسط قرن ۲۰/م ۱۴ق، تنها پول مورد استعمال در این مناطق بوده است.

۲. عیسوی، ۱۹۵.

۳. کلمه «بالیوز» در ایران دوره قاجاری و نیز در بعضی از لهجه‌های عربی و زبان سواحلی به معنای عام نماینده سیاسی یا رایزنی (کنسولی) به کار رفته است.

۴. مرکز اسناد آرشیوی وزارت خارجه: ۱۲-۱۵-۶-۱۲۶۳

۵. عیسوی، ۱۹۱؛ Fraser, 51.

۶. مرکز اسناد آرشیوی وزارت خارجه: ۶-۱۵-۶-۱۲۶۳

۷. بر سر مالکیت این بندر که در شط العرب در محل اتصال دجله و فرات واقع شده بود، مدت‌ها میان ایران و عثمانی اختلاف بوده است که در نهایت در پی انعقاد قرارداد ارزروم در سال ۱۲۶۳هـ این بندر به ایران واگذار شد و بدین ترتیب تنها کشتی‌های ایرانی حق رفت و آمد در آب‌های این بندر را داشتند (Kelly, 597).

امپراتوری عثمانی قرار داشت. غلامان و کنیزان از این بندر به بصره که در خاک عثمانی قرار داشت، انتقال پیدا می‌کردند.^۱ در نامه اعتراض‌آمیزی که سفارت انگلیس در باب رواج برده‌فروشی در بندر محمره بعد از واگذاری آن به ایران، خطاب به دولت ایران نوشته، به این موضوع اشاره شده است.^۲ این بنادر مبادی ورودی و مراکز مبادلات تجاری بردگان آفریقایی بودند که مقصد نهایی غالب آنها شهرهای پس‌کرانه‌های دوردستی، مانند کرمان، شیراز، بغداد بود.^۳

غلامان و کنیزان آفریقایی از مسیر زمینی هم به ایران منتقل می‌شدند. حجاج و زائران شهرهای مقدسی چون مکه، مدینه و کربلا نقش قابل توجهی در انتقال اینان داشتند. البته تجار برده در غرب و جنوب غربی ایران نیز از شهرهای مذکور، شماری از بردگان آفریقایی را به خاک ایران منتقل می‌کردند.^۴ به گفته لیدی شیل، زوار کربلا بردگانی را که از راه مکه به بغداد می‌رسیدند، ابتیاع می‌کردند. همچنین حجاج ایرانی نیز به هنگام مراجعت از مکه غالباً یکی دو غلام سیاه از بازار برده فروشان مکه می‌خریدند و با خود به ایران می‌آوردند.^۵ این بردگان غالباً جهت استفاده شخصی خریداری می‌شدند.^۶ سفر زائران از بغداد به تهران، با کاروان در حدود ۱۸ روز طول می‌کشید.^۷ به گفته مستوفی در این دوره، کنیزها و کاکا سیاه‌ها را به جهت این‌که این‌که از مکه و مدینه می‌آوردند، عموماً حاجی می‌گفتند.^۸ در اوایل قرن ۱۴هـ/ قرن ۱۹م برای زائرانی که بردگانی را به همراه خود می‌بردند، گذرنامه ویژه ایرانی که توسط رزیدنت^۹ انگلیس تأیید شده بود، داده می‌شد و هنگام برگشت، تعداد بردگانشان با تعداد بردگان ذکر شده در گذرنامه تطبیق داده می‌شد.^{۱۰} علاوه بر این، تعداد کمی از غلامان و کنیزان نیز از طریق دمشق وارد ایران می‌شدند که چندان اهمیت نداشت.^{۱۱} ورود بردگان از طریق زائران بعد از اولین

1. Kelly, 598.

۲. مرکز اسناد آرشیوی وزارت خارجه: ۶-۱۵-۶-۱۲۶۳

3. Amanat, 172.

4. Basset, 4.

۵. شیل، ۲۱۵.

6. Basset, op.cit.

7. Ibid.

۸. مستوفی، ۲۳/۱.

۹. 'RESIDENT': نماینده سیاسی دولت استعمارگر در مستعمره

10. Lorimer, 4/ 2483.

۱۱. شیل، همان.

فرمان منع منع برده‌فروشی در ۱۸۴۸م/۱۲۶۲هـ ادامه پیدا کرد و تا ۱۹۲۸م/۱۳۴۲هـ که برده‌داری به طور کامل منسوخ شد، انجام می‌گرفت.^۱

نتیجه

غلامان و کنیزان در عصر قاجار از قومیت‌های مختلف آفریقایی، قفقازی، ترکمن، بلوچ، کرد و حتی فارس بودند که اغلب آن‌ها طی اسارت در جنگ‌ها (مثل جنگ ایران و روسیه)، تهاجمات ناگهانی و حملات عشایری به‌ویژه در میان اقوامی چون تراکمه و یا بلوچ‌ها و یا عملیات‌های آدم‌ربایی، به دست آمده و به عنوان غلام و کنیز به کار گماشته می‌شدند و یا توسط تجار و دلالان برده در بازارهای مخصوص بیع و شرا برده، به فروش می‌رفتند. به دنبال شکست ایران در جنگ‌های منظم با روس‌ها و انعقاد قراردادهای ننگین ترکمن‌چای، گلستان و سپس آخال که به جدا شدن بخش اعظم قفقاز و خانات آسیای میانه از ایران و انضمام آنها به قلمرو امپراطوری روسیه انجامید، ورود غلام و کنیز از مناطق شمالی ایران تقریباً متوقف شد. گرچه تقریباً تا پایان دوره قاجار هر از چندگاهی تعدادی از مردم مناطق مرزی شمال شرقی ایران در شبیخون‌ها و تهاجمات ترکمن‌ها به اسیری گرفته می‌شدند. کارشکنی‌های روس‌ها جهت حفظ منافعشان در منطقه، ضعف نظامی حکومت مرکزی در حفظ امنیت مناطق مرزی، بروز قحطی، فقر و دشمنی‌های مذهبی و قومی از علل عمده بروز این مسئله و تداوم آن تا پایان دوره قاجار بود.

با کاهش ورود غلام و کنیز از مرزهای شمالی، تجارت و خرید و فروش غلام و کنیز آفریقایی در بنادر جنوب ایران رونق بیشتری پیدا کرد و با شروع مبارزه با برده‌فروشی در منطقه خلیج فارس، این روند دچار دگرگونی شد و رفته‌رفته از ورود غلامان و کنیزان آفریقایی به ایران کاسته شد به طوری که در پایان دوره قاجار، دیگر اثری از آن باقی نمانده بود.

۱. برای اطلاعات بیشتر در زمینه جریان منع برده‌فروشی در عصر قاجار نک: ونسا مارتین، دوران قاجار، چانه‌زنی، اعتراض و دولت در ایران سده نوزدهم و هم‌چنین:

Kelly, Britain And Persian Gulf; Lorimer, *Gazetteer of the Persian Gulf*, v4.

کتابشناسی

- پاتینجر، هنری، مسافرت سند و بلوچستان، ترجمه شاهپور گودرزی، تهران، دهخدا، ۱۳۴۸ ش.
- پولاک، ادوارد یاکوب، سفرنامه (ایران و ایرانیان)؛ ترجمه کیکاووس جهاننداری، تهران، شرکت سهامی خوارزمی، ۱۳۶۱ ش.
- تیت، جورج پِسَمَن، سیستان، ترجمه احمد موسوی، [بی م.]، اداره کل ارشاد اسلامی سیستان و بلوچستان، با همکاری سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران، ۱۳۶۴ ش.
- حسینی کاشانی، سید جلال‌الدین، *حیل‌المتین*، جلد ۱۸، شماره‌های ۴۰ و ۳۸، ۱۳۳۲ ق.
- دروویل، گاسپار، سفرنامه دروویل، ترجمه منوچهر اعتماد مقدم، تهران، شباویز، ۱۳۶۵ ش.
- سپهر (لسان‌الملک)، محمد تقی، *ناسخ‌التواریخ*، به کوشش جمشید کیانفر، تهران، اساطیر، ۱۳۷۷ ش.
- شیل، ماری لئونورا، خاطرات لیدی شیل (همسر وزیر مختار انگلیس در اوائل سلطنت ناصرالدین شاه)، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران، نشر نو، ۱۳۶۲ ش.
- عیسوی، چارلز، تاریخ اقتصادی ایران (قاجاریه ۱۳۳۲-۱۲۱۵ ق)؛ ترجمه یعقوب آژند، تهران، گستره، ۱۳۶۲ ش.
- کازرونی (متخلص به نادری در زمان محمد شاه)، محمد ابراهیم، تاریخ بنادر و جزایر خلیج فارس، تصحیح منوچهر ستوده، گیلان، نشر مؤسسه فرهنگی جهانگیری، ۱۳۶۷.
- مرکز اسناد آرشیوی وزارت خارجه، سواد کاغذ نواب والا ناصرالدوله، ۱-۱۹-۱۴-۱۲۸۹.
- همان، شیل به امیر کبیر، ۶ ذیقعد ۱۲۶۷، ۶-۲۴-۶-۱۲۶۳.
- همان، عریضه خطاب به امیر کبیر، ۹ ذی‌الحجه ۱۲۶۶، ۶-۱۵-۶-۱۲۶۳.
- همان، شیل به امیر کبیر، ۲۵ شوال ۱۲۶۶، ۱۲-۱۵-۶-۱۲۶۳.
- مستوفی، عبدالله، شرح زندگانی من، تاریخ اداری و اجتماعی دوره قاجاریه، ج. ۱، تهران، زوار، ۱۳۷۷.
- ملکم، سرجان، تاریخ ایران، ترجمه میرزا اسماعیل حیرت، به کوشش مرتضی سیفی قمی تفرشی، ابراهیم زندپور، تهران، یساولی "فرهنگسرا"، ۱۳۶۲ ش.
- ناصرالدوله، عبدالحمید میرزا، سفرنامه بلوچستان (از ماهان تا چاه بهار)، به کوشش محمد رسول دریاگشت و با مقدمه محمد ابراهیم باستانی پاریزی، کرمان، مرکز کرمان شناسی، ۱۳۷۰ ش.
- وامبری، آرمینیوس، سیاحت درویش دروغین در خانات آسیای میانه، ترجمه فتحعلی خواجه نوریان، تهران، انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۷۰ ش.
- ویلسون، سر آرنولد؛ خلیج فارس؛ ترجمه محمد سعیدی، چاپ دوم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۶ ش.

Amanat, A, Cities and trade: Consul Abbott on the economy and society of Iran 1847-1866. London, 1983.

Basset, James, Persia, the land of the Imams. A narrative of travel and residence; London, Blackie & Son, 1887.

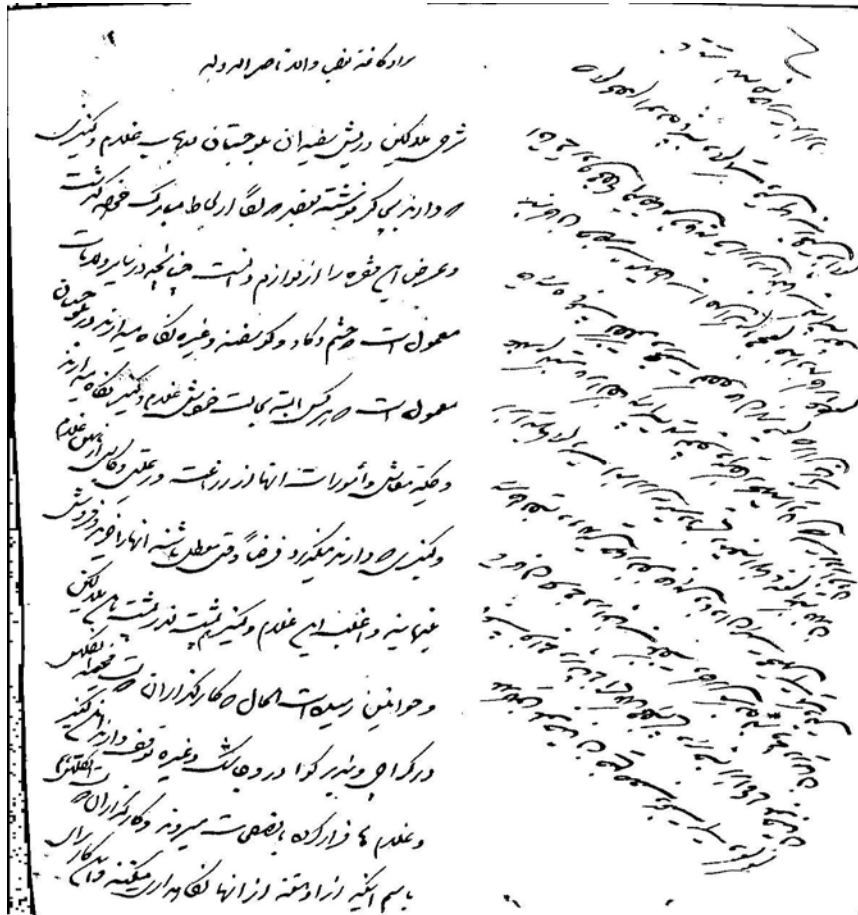
Fraser, James Baillie, Narrative of a Journey into Khorasan, in the years 1821 and 1822. London: Longman, Hurst, Rees, Orme, Brown, and Green, 1825.

Kelly, J.B, Britain And Persian Gulf; Oxford: Clarendon P.C, 1968.

Kinneir, sir john Mackdonald, A geographical memoir of the persian empire, New York, Arno Press. Turkistan, 1973.

Lorimer, J.G, Gazetteer of the Persian Gulf, Oman and Central Arabia; Calcutta: Superintendent Government Printing, 1915.

Wills, C.J, Land of the lion and sun of modern Persia, London: Ward, Lock and Co, 1891.



تصویر شماره ۱: سواد کاغذ نواب والا ناصرالدوله در باب شکایت ملاکین و اشراف بلوچستان از فرار و پناهنده شدن غلامان و کنیزانشان در کارگزاری انگلیس و حمایت انگلیسی‌ها از آنها.

بسم الله

خداوند بزرگوار را تسبیح و تحمید و تعظیم

بمقام حضرت امام است بنابر حضرت ابراهیم و در روز دوازدهم از آن

در کوفه ای نوشته است محمد بن حسین نام از آنکه سبزه زلف به بند محمد زلف به بند محمد زلف

از طرف کعبه اعمالی اجاره داده و در روز شنبه سواران فرقیه کرده و در روز دوازدهم

از دلاوری که ازین و سواران است با هر چه خف و خند سیه و در آن روز

در روز دوازدهم از آن است ایران حکم است از آنکه محمد بن حسین در آن روز

صفت حکم حضرت زین العابدین است بنام سواران چون نام

رطبه در آن است حکایت و در آن روز

تصویر شماره ۲: نامه شیل سفیر انگلیس به امیر کبیر در باب اجاره کشتی های ایرانی برای حمل برده توسط اهالی رأس الخیمه.